

تشریح پدیدهی
مُقارَنه
در علم نجوم و فقه

بخش اجمالی

تدوین : شورای مدیریت مکتب قرآن

www.maktabquran.net

www.maktabquran.net
www.maktabquran.com
www.ahmadmoftizadeh.com

فهرست

- ۷..... تشریح پدیده‌ی مُقارنه با استفاده از آخرین دستاوردهای علم نجوم
- ۷..... تاریخچه نجوم
- ۷..... مقدمه
- ۸..... جهانی که در آن زندگی می‌کنیم
- ۱۰..... ماه
- ۱۱..... سیستم زمین - ماه
- ۱۲..... ماه از منظر ناظر زمینی
- ۱۸..... استهلال
- ۱۹..... موانع رؤیت هلال
- ۲۰..... حد دانتون، رؤیت و آشکارسازی هلال
- ۲۴..... تقویم هجری قمری
- ۲۷..... توضیحی اجمالی از منظر فقهی برای عموم مخاطبان
- ۴۵..... پرسش‌ها و شبهات مطرح‌شده درباره‌ی مقارنه و پاسخ آن‌ها

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

همان گونه که اطلاع دارید، مکتب قرآن از سال ۱۴۳۴ هجری قمری؛ برابر با سال ۱۳۹۲ هجری شمسی؛ با استفاده از دستاوردهای علم نجوم، «مُقارنه» را مبنای شروع و پایان ماه صیام قرار داده است.

استفاده از این روش به دلیل تازگی با سؤالات و ابهامات و بعضاً ایرادات و مخالفت‌هایی روبرو شده است. از این رو وعده داده بودیم که دلائل استفاده از این روش علمی، دقیق و وحدت‌بخش را ارائه دهیم.

اینک در سه بخش اقدام به توضیح و تبیین این مطلب شده است:

بخش نخست: تشریح پدیده‌ی مُقارنه با استفاده از آخرین دستاوردهای علم نجوم.

بخش دوم: توضیحی اجمالی از منظر فقهی برای عموم مخاطبان.

بخش سوم: توضیحی تفصیلی از دیدگاه فقهی برای مخاطبان طالب تبیینات

تخصصی‌تر و دقیق‌تر.

در پایان چند پرسش مهم، مطرح و پاسخ آن‌ها نیز درج شده است.

شورای مدیریت مکتب قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

تشریح پدیده‌ی مُقارنه با استفاده از آخرین دستاوردهای علم نجوم

تاریخچه نجوم

مقدّمه

تاریخ نجوم به سه دوره‌ی کلی «زمین مرکزی»، «کهکشانی» و «کیهانی» تقسیم می‌شود. به صورت خلاصه در دوره زمین مرکزی اعتقاد کلی بر این بود که زمین در مرکز جهان قرار دارد و خورشید، ماه، ستارگان و معدود سیارات شناخته شده به دور آن در گردش‌اند. علی‌رغم فهم نادرست از سیستم عملکردی خارج از زمین و استفاده از دانش نجوم برای طالع‌بینی، پیشرفت‌های مهمی در این دوره حاصل شد که از جمله آن‌ها می‌توان به گاه‌شماری‌های شمسی و قمری اشاره کرد. پایان این دوره را به نظریات نیکولاس کوپرنیکوس (کوپرنیک) (سال ۱۴۷۳ تا ۱۵۴۳)

میلادی) نسبت می‌دهند.

کوپرنیکوس بیان داشت که: زمین نه تنها در مرکز جهان نیست بلکه تنها سیاره‌ای معمولی است که مانند سایر سیارات در حال گردش به دور خورشید است. هم‌چنین مشخص شد که خورشید نیز خود تنها یکی از میلیاردها ستاره‌ای است که در کهکشان راه شیری وجود دارد و این آغاز دوره‌ی کهکشانی بود و نهایتاً در دوره‌ی کیهانی به صورت خلاصه آشکار شد که کهکشان ما تنها یکی از کهکشان‌های بی‌شماری است که در عالم وجود دارد. این دوره هم اکنون نیز ادامه دارد.

درباره‌ی سابقه‌ی رؤیت هلال اطلاعات چندان دقیقی در دست نیست. اما می‌دانیم که در دوره‌ی کمبوجیه رؤیت هلال؛ موضوعی مورد توجه بوده است. با ظهور اسلام و بالطبع احکام شرعی متعاقب آن - که مستلزم دقیق‌ترین زمان‌شناسی ممکن (در آن دوره) بود، رؤیت هلال، اهمیتی مضاعف یافت؛ چرا که تعقیب اوضاع «اهله» و دقت به تغییرات منظم آن اگر تنها ابزار زمان‌سنجی نبوده باشد، مسلماً دقیق‌ترین آن‌ها بوده است.

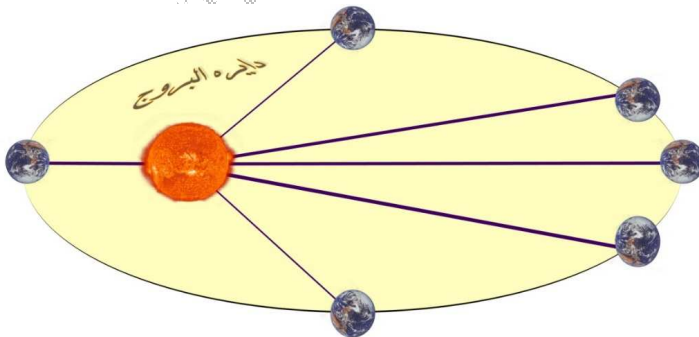
جهانی که در آن زندگی می‌کنیم

بشر هنوز ابعاد صحیحی را از هستی در دست ندارد. برای درک این ابعاد کافی است در نظر بگیرید ما در کهکشانی زندگی می‌کنیم که قطر آن ۱۰۰ هزار سال نوری است (۹۴۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ متر) و در آن ۱۰۰ میلیارد ستاره مانند خورشید وجود دارد. حال در نظر بگیرید که تاکنون ۱۰۰ میلیارد کهکشان در پهنه‌ی قابل آشکارسازی هستی کشف شده است.

با این مقدمه، منظومه شمسی به مجموعه‌ای از سیارات، شهاب‌سنگ‌ها، اقمار، ستاره‌های دنباله‌دار و اجزای دیگر اطلاق می‌شود که به دور ستاره مرکزی به نام خورشید در گردش‌اند. در این مجموعه تمام اجزا در مدارهای بیضی شکل به دور خورشید می‌چرخند. هم‌چنین قمرها نیز در مدارهای بیضی شکل به دور سیارات خود دَوْران دارند. تعداد قمرها در منظومه‌ی شمسی بسیار متفاوت است. به طوری که عطارد و زهره بدون قمر، زمین دارای یک قمر و مشتری صاحب ۶۳ قمر می‌باشند.

زمین

زمین سومین سیاره‌ی منظومه شمسی می‌باشد که فاصله‌ی متوسط آن با خورشید حدود ۱۵۰ میلیون کیلومتر است. این سیاره هر $365/256$ روز یک بار به دور خورشید می‌گردد که این مقدار برابر با یک سال شمسی است. این حرکت زمین را **حرکت انتقالی** می‌نامیم. هم‌چنین زمین در مدت ۲۳ ساعت و ۵۶ دقیقه و ۴ ثانیه یک بار به دور خود می‌چرخد که آن را مدت زمان **حرکت وضعی** می‌گوییم.



درباره‌ی حرکت انتقالی نکته‌ی مهمّ این است که محور زمین — خورشید در طول یک سال صفحه‌ای را جارو می‌کند که ستاره‌شناسان آن را دائرة البروج

می‌نامند که از منظر فضایی مانند شکل فوق است.

بنابراین از منظر ناظر زمینی دائرة البروج مسیر حرکت خورشید در طول یک سال است که برج‌های دوازده گانه بر روی آن قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، هنگامی که می‌گوییم در برج اسد قرار داریم، یعنی در آن ماه از سال خورشید درون صورت فلکی اسد یا شیر قرار دارد. (به شکل فوق دقت کنید). همان طور که در شکل پیداست خورشید در ماه بعد وارد برج سرطان می‌شود و به همین ترتیب مسیر یک ساله خود را بر روی خطّ آبی طی می‌کند.



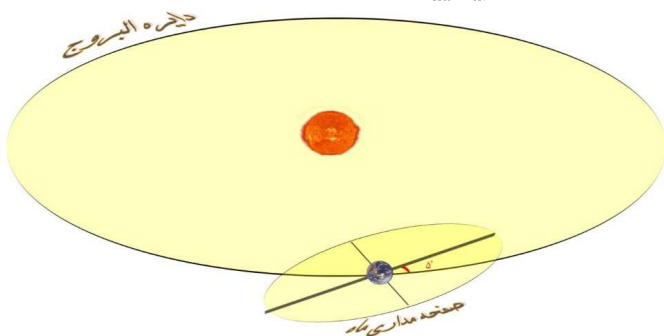
ماه

کره‌ی ماه تنها قمر زمین و نزدیک‌ترین همسایه‌ی ما در کیهان است. قطر این کره حدود یک چهارم زمین می‌باشد. فاصله‌ی متوسط آن با زمین حدود ۳۶۰ هزار کیلومتر است و در مدت ۲۷/۳۲ روز دوره‌ی حرکت انتقالی خود را به دور زمین کامل می‌کند. نکته‌ی جالب این‌جاست که ماه دقیقاً در همین مدت زمان یک بار نیز به دور خود می‌چرخد و به همین علت ما همواره تنها یک روی ماه را از زمین

می‌توانیم ببینیم. به عبارت دیگر، دوره‌ی تناوب حرکت انتقالی و وضعی ماه با هم برابرند.

سیستم زمین - ماه

مدار ماه به دور زمین نیز مانند هر مدار دیگری در فضا بیضی شکل است که زمین در یکی از کانون‌های این بیضی قرار دارد. ماه با سرعت مداری یک کیلومتر بر ثانیه در آن مدار به دور زمین در گردش است و این در حالی است که مجموعه‌ی زمین - ماه نیز به دور خورشید در گردش هستند.



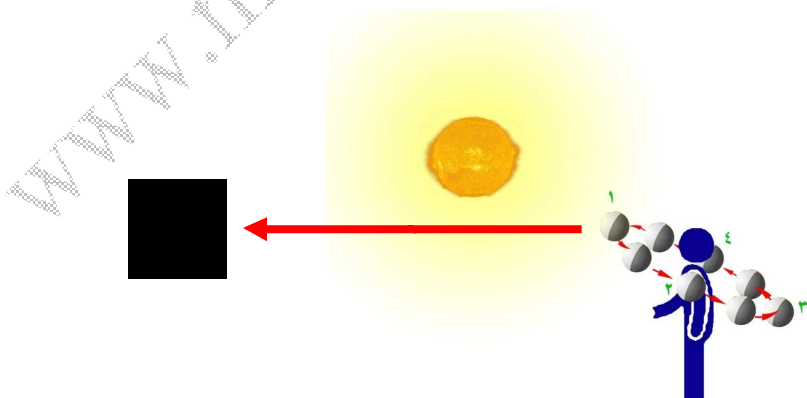
وضعیت صفحه مداری ماه نسبت به دایره البروج و زاویه ۵ درجه‌ای آن‌ها نسبت به هم، به سبب همین زاویه ماه از دید ناظر زمینی هیچ‌گاه بیش‌تر از ۵ درجه از دایره البروج فاصله نمی‌گیرد.

صفحه‌ای را که خط واصل زمین و ماه در مدت زمان یک ماه جارو می‌کند، صفحه مداری ماه می‌نامند. این صفحه با صفحه دایره البروج حدوداً ۵ درجه زاویه دارد (به شکل بالا دقت فرمایید).

ماه از منظر ناظر زمینی

تصاویری که ناظر زمینی در طول یک ماه از تنها قمر زمین - کره ماه - می‌دید هزاران سال بود که ذهن او را به خود مشغول کرده بود. خوشبختانه امروزه با درک عینی وضعیت مداری ماه، زمین و خورشید نسبت به یکدیگر علت این تغییر صور امری در آستانه‌ی بداهت می‌نماید. تنها قسمت سخت کار، درک سه‌بعدی وضعیت‌های مداری گوناگون است.

برای شروع در نظر بگیرید که خورشید روبه‌روی شما قرار گرفته است و ماه نیز در حال گردش به دور سر شما می‌باشد. در این مثال سر شما نقش زمین و چشمانتان طبیعتاً نقش ناظر زمینی را بازی می‌کند. هم‌چنان که ماه به دور سر شما (زمین) می‌گردد شما مقادیر گوناگونی از نیمه روشن ماه را خواهید دید که این به معنای تصاویر گوناگون ماه در طول یک دوره می‌باشد. اگر توانسته باشید این مثال را کاملاً در ذهن خود مجسم کنید، به سراغ جزئیات بحث می‌رویم (برای این کار می‌توانید از تصویر زیر کمک بجویید).



شکل ۱ - لحظه‌ی مقارنه یا محاق

نقطه‌ای از تصویر که با عدد شماره‌ی ۱ مشخص شده است، لحظه‌ی تولد ماه را نشان می‌دهد. در این لحظه هم ماه و هم خورشید روبه‌روی شما قرار دارند. لذا شما نمی‌توانید نیمه روشن ماه را ببینید و نیمه تاریک آن رو به شما خواهد بود که طبیعتاً آن هم دیده نخواهد شد.

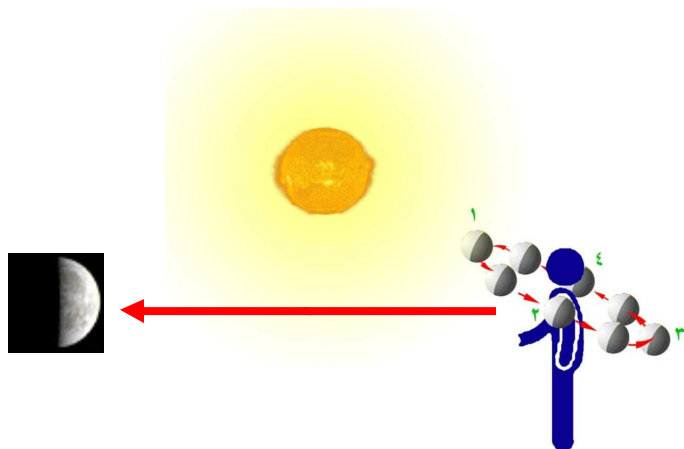
با حرکت ماه در مدار خود در راستای فلش‌هایی که نشان داده شده است تصویر ماه نیز تغییر می‌کند و هلال آرام آرام شروع به تشکیل و پس از آن ضخیم شدن می‌کند. این اتفاق را که در حدّ فاصل وضعیتهای ۱ و ۲ رخ می‌دهد، فاز هلال افزاینده می‌گویند؛ چراکه با گذشت زمان ضخامت هلال بیش‌تر می‌شود. در اوایل این مرحله رؤیت هلال برای اعلام آغاز ماه‌های قمری مطرح می‌شود. اشتباه رایجی که عموم مردم در این مرحله با آن روبه‌رو می‌شوند، در تشخیص چند روزه بودن ماه از طریق ضخامت هلال است. باید دقت داشت که ضخیم بودن هلال و غروب نسبتاً دیر هنگام آن لزوماً نمی‌تواند به معنای دو روزه بودن ماه باشد.

نقطه‌ی شماره ۱ را در اصطلاح نجومی «زمان مقارنه»، «لحظه‌ی تولد ماه» یا «محاق» می‌نامند. در واقع این لحظه زمانی است که مراکز ماه و زمین و خورشید بر روی صفحه‌ای قرار می‌گیرند که این صفحه بر دائرة البروج عمود می‌باشد. البته مقارنه خود بر دو نوع «زمین مرکزی» و «مکان مرکزی» است که توضیح آن نیاز به مجال بیش‌تری دارد (تعاریف این متن از جمله تعریف فوق از مقارنه بیش‌تر به مقارنه‌ی زمین مرکزی اشاره دارد). حالتی خاص از این اتفاق زمانی است که در برخی خورشید گرفتگی‌ها یا کسوف‌ها رخ می‌دهد. چراکه در خورشید گرفتگی نیز مراکز ماه و زمین و خورشید بر روی یک خط قرار می‌گیرند و هنگامی که سه جسم بر روی یک خط قرار بگیرند، طبیعتاً به این معناست که بر روی یک صفحه نیز قرار گرفته‌اند.

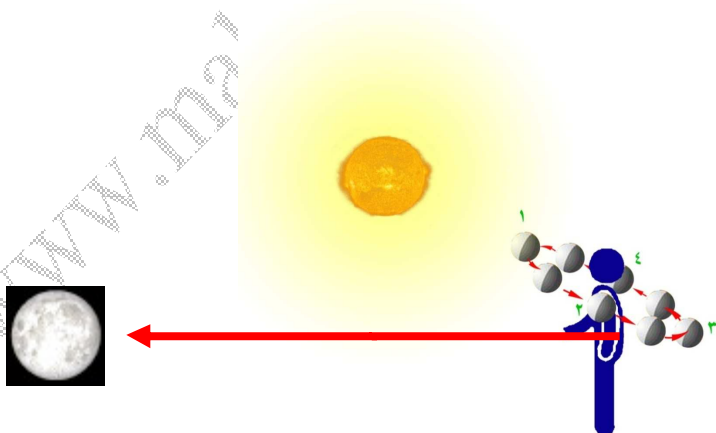
در این جا توضیح این نکته که برای بسیاری از دوستان ابهاماتی را به وجود می‌آورد الزامی است که با توجه به زاویه‌ای که صفحه مداری گردش ماه به دور زمین با صفحه مداری گردش زمین به دور خورشید (دائرة البروج) ایجاد کرده است (حدود ۵ درجه) و در تصویر بخش «سیستم زمین - ماه» نشان داده شده است، در تمامی ماه‌های قمری خورشید گرفتگی - که یکی از حالت‌های خاص مقارنه است - اتفاق نمی‌افتد.

هم‌چنان که ماه در مدار خود مانند هر جسم سماوی دیگری به صورت پادساعت گرد (خلاف جهت عقربه‌های ساعت) حرکت می‌کند از دید ناظر زمینی بر ضخامت آن افزوده می‌شود و هر روز حدود ۱۲ درجه از غرب به سمت شرق متمایل می‌شود و از خورشید فاصله می‌گیرد. به تعبیر دیگر، طلوع ماه هر روز حدود ۵۰ دقیقه دیرتر از روز قبل اتفاق می‌افتد تا جایی که ماه $\frac{1}{4}$ مدار خود را طی می‌کند. در این حالت ناظر زمینی نصف ماه را می‌بیند که به این حالت «تربیع اول» گفته می‌شود. (چرا که ماه $\frac{1}{4}$ مدار خود را طی کرده است) این وضعیت در تصویر با شماره‌ی ۲ نشان داده شده است

با عبور از نقطه‌ی ۲ ماه حالت تحدب می‌یابد و روز به روز بر این تحدب افزوده می‌شود تا جایی که به ماه کامل یا بدر می‌رسیم. وضعیت مداری بدر در تصویر با شماره‌ی ۳ نشان داده شده است. در این شرایط ناظر زمینی قسمت تاریک ماه را نمی‌بیند و قسمت روشن آن را کامل می‌بیند؛ چرا که بین خورشید و ماه قرار گرفته است.



شکل ۲: تربیع اول



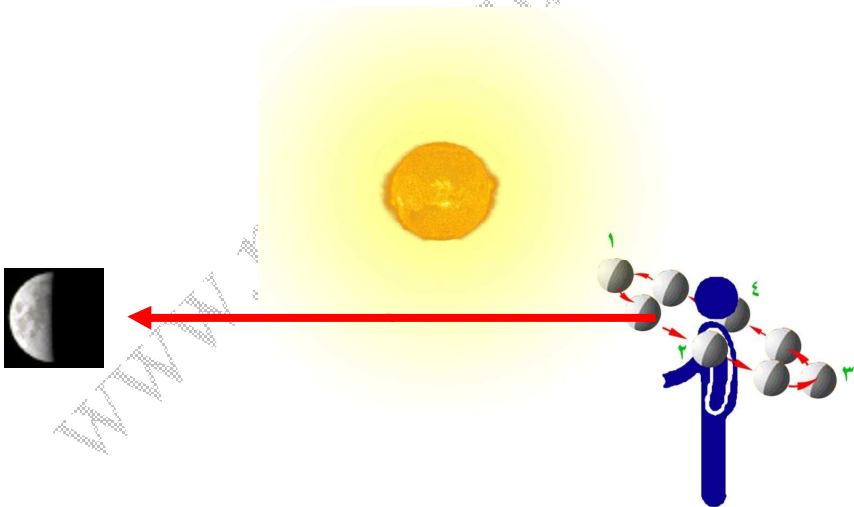
شکل ۳: ماه بدر یا کامل

با عبور از نقطه‌ی شماره‌ی ۳ از قسمت روشن ماه کاسته می‌شود تا جایی که ماه

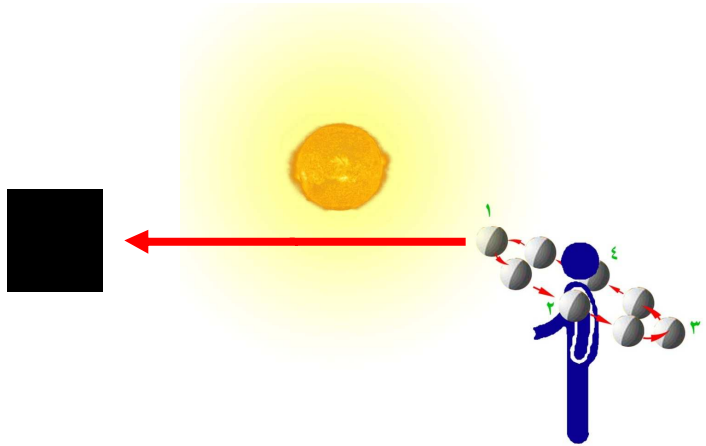
به نقطه‌ی ۴ که همان ترییع دوم است برسد. این فاصله را فاز محدب کاهنده می‌نامیم و ترییع دوم نقطه‌ای است که ماه $\frac{3}{4}$ مدار خود را طی کرده است و نیمی از آن از دید ناظر زمینی روشن دیده می‌شود.

هنگامی که از نقطه‌ی ۴ نیز می‌گذریم، ماه به هلالی تبدیل می‌شود که با پیش‌روی در مدار از ضخامت آن کاسته می‌گردد. لذا به این فاز، **فاز هلال کاهنده** می‌گویند.

با کم‌شدن ضخامت هلال به جایی می‌رسیم که دیگر هلالی وجود ندارد و در واقع آن لحظه، لحظه‌ی تولد ماه بعد است و بدین ترتیب یک دوره‌ی کامل ماه هلالی به پایان می‌رسد و ماه نو قمری بعد به همین منوال آغاز و سپری می‌شود.



شکل ۴: ترییع دوم



شکل ۵: مقارنه ماه قمری بعدی

در این جا لازم است ذکر شود یک بار گردش کامل ماه به دور زمین در فضا دوره‌ی تناوب مداری نامیده می‌شود که برابر است با ۲۷/۳۲ روز.^۱ این در حالی است که از یک محاق تا محاق بعدی را که در واقع نمود همان دوره‌ی تناوب مداری برای ناظر زمینی است دوره‌ی تناوب هلالی می‌نامند که زمان آن برابر است با ۲۹/۵۳ روز. (البته این زمان همواره ثابت نیست و به عللی تغییرات جزئی دارد). علت این اختلاف در دوره‌ی تناوب هلالی و وضعی این است که در فاصله‌ی دوره‌ی تناوب وضعی که ماه به دور زمین می‌گردد، خود زمین نیز در مدار حرکت می‌کند. به همین دلیل تا زمانی که ماه به جایگاه خود نسبت به زمین و خورشید برسد، حدود دو روز دیگر طول می‌کشد. در هر صورت آنچه در زمان‌سنجی نجومی برای امور دینی اسلام حائز اهمیت می‌باشد، دوره‌ی تناوب هلالی است که

نباید با دوره‌ی تناوب مداری اشتباه گرفته شود. نکته جالب دیگری که در مورد ماه وجود دارد تکرار ۲۷ باره‌ی نام این کوره‌ی آسمانی در قرآن است که این مقدار برابر است با تعداد روزهای دوره‌ی تناوب مداری ماه.

استهلال

استهلال در اصطلاح نجومی تلاشی است برای دیدن هرچه زودتر هلال ماه. همان طور که در بخش قبلی بیان شد، در اوایل فاز هلال افزاینده، هلال تشکیل و یا قابل رؤیت می‌گردد که با پیشرفت ماه در مدار بر ضخامت آن افزوده می‌شود و کار رؤیت را برای ناظر زمینی آسان‌تر می‌کند. اما نکته مهم در گاه‌شماری دینی تلاشی است که باید صورت پذیرد تا هلال هرچه زودتر رؤیت شود. لذا تلاش منجّمان برای رؤیت هلال از اولین ساعت پس از مقارنه آغاز می‌شود.

برای بررسی این نکته که یک هلال خاص قابل رؤیت می‌باشد یا خیر و یا این که بهتر بگوییم احتمال رؤیت آن چقدر است باید به پارامترهای متعدّدی دقت کرد که در مواردی تعداد آن‌ها را بیش از ۲۰ پارامتر بر شمرده‌اند. طبعاً جهت حفظ سادگی این متن در این جا نمی‌توان تمامی این موارد را به تفصیل مورد بحث قرار داد و تنها به بیان ساده پارامترهایی می‌پردازیم که برای ادامه‌ی بحث به دانستن آن‌ها نیاز داریم.

۱- زمان مقارنه: در فصول گذشته به تفصیل درباره‌ی مقارنه توضیحاتی داده

شد.

۲- سن هلال: سن هلال به مدت زمانی گفته می‌شود که از لحظه‌ی مقارنه

گذشته است. بر اساس سن، هلال‌ها را به ۳ دسته‌ی **هلال‌های جوان** (کم‌تر از ۲۰ ساعت)، **هلال‌های میان سال** (۲۰ تا ۲۴ ساعت) و **هلال‌های پیر** (بیش از ۲۴ ساعت) تقسیم‌بندی می‌کنند.

۳- جدایی زاویه‌ای ماه و خورشید: یعنی مقدار زاویه‌ای که ماه از نقطه مبدأ - که همان نقطه مقارنه است - منحرف شده باشد. دقت داشته باشید که این موضوع همواره با سن هلال هم مفهوم نیست.

۴- فاز ماه: به میزان سطح روشن ماه نسبت به کل سطح قابل رؤیت آن که بر حسب درصد بیان می‌شود، فاز ماه می‌گویند.

۵- موقعیت جغرافیایی ناظر: بسیاری از پارامترهای رؤیت با محلی که ناظر در آن‌جا مشغول رؤیت هلال است، مرتبط است. چون هلال‌های شامگاهی پس از غروب خورشید مشاهده می‌شوند، هر چه زمان غروب خورشید دیرتر باشد، سن و جدایی زاویه‌ای هلال افزایش می‌یابد. بنابراین هر چه به سمت نواحی غربی برویم، شرایط رؤیت هلال بهتر می‌شود. این موضوع در مسئله‌ی اختلاف مطالع و هم‌چنین حجیت رؤیت شرقی برای ناظرین غربی در مسائل فقهی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۶- عوامل محیطی: عوامل محیطی از جمله مهم‌ترین مسائل در تعیین موفقیت یک رؤیت است. از جمله این عوامل می‌توان به ابر، باد، گرد و غبار، دما و ... اشاره نمود.

موانع رؤیت هلال

موانع رؤیت در واقع نامساعد بودن هر یک از پارامترهایی است که در بالا ذکر

شد. اما پنج پارامتر اول پارامترهایی هستند که به خود هلال و یا بهتر بگوییم به نظام حاکم بر سیارات و مدارهای آن‌ها مربوط‌اند. در کنار متغیر بودن هر یک از پارامترهای مربوط به ماه، خورشید و یا زمین، مقوله‌ی مهمّ دیگر که بشر همواره در موضوع رؤیت هلال با آن دست و پنجه نرم کرده است، **عوامل محیطی مانع رؤیت** است. در باب عوامل محیطی به عنوان نمونه می‌توان به ابری بودن هوا اشاره کرد. مثلاً، در برخی مناطق شمالی ایران اغلب روزهای سال آسمان ابری است و شرایط برای رؤیت هلال نه تنها مناسب نیست، بلکه اصلاً وجود ندارد.

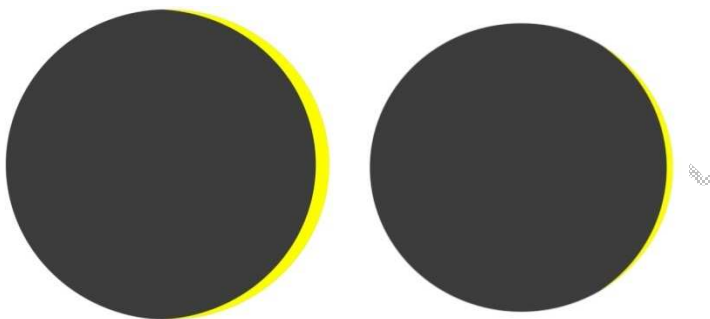
حد دانژون، رؤیت و آشکارسازی هلال

سال‌ها تصور بر این بود که پس از گذشت اولین لحظات از لحظه‌ی مقارنه و با حرکت ماه در مدار، هلال ماه که تشکیل می‌شود، قوسی است که نیم دایره‌ای را به دور ماه تشکیل می‌دهد.

در سال ۱۹۳۱، **آندره دانژون** متوجه شد که طول کمان هلال صبحگاهی ۱۳ اوت فقط ۷۵ تا ۸۰ درجه است (شکل زیر). دانژون هم‌چنین متوجه شد که کوتاه شدن طول کمان با جدایی زاویه‌ای ماه و خورشید تغییر می‌کند. یعنی هرچه جدایی زاویه‌ای کاهش یابد، طول کمان کم‌تر می‌شود.

دانژون با جمع‌آوری ۷۵ گزارش رصد از سراسر اروپا به بررسی این پدیده پرداخت و پنداشت که در جدایی زاویه‌ای ۷ درجه طول کمان هلال ماه به صفر می‌رسد و دیگر کمانی تشکیل نمی‌شود و هیچ بخشی از ماه روشن نخواهد بود. این پدیده نشان می‌داد که بدون توجه به سن، هلال ماه در جدایی زاویه‌ای کمتر از ۷ درجه تشکیل نمی‌شود و بنابراین اساساً قضیه‌ی رؤیت منتفی خواهد بود. این

موضوع تا سال ۲۰۰۷ میلادی نیز خط قرمز رصدگران هلال بود. اما پس از آن، رصدهای فروسرخ ثابت کرد که حدّ دائزئون حدّ تشکیل هلال نیست، بلکه از آن تنها می‌توان به عنوان حدّی برای رؤیت هلال در نور مرئی یاد کرد.



تصویری که دائزئون مشاهده کرد (سمت راست) و تصویری که قبل از دائزئون تصور می‌شد وجود دارد (سمت چپ)

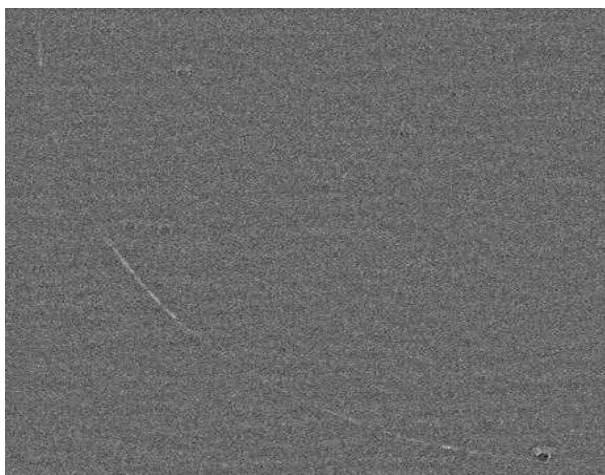
در سال‌های اخیر عده‌ی کثیری از رصدگران هلال در سراسر دنیا تلاش کرده‌اند هلال‌هایی زیر حدّ دائزئون را رؤیت نمایند تا این که به صورت تجربی این حدّ را زیر سؤال ببرند. به عنوان مثال، در ۱۲ نوامبر سال ۱۹۹۶ موشک یا فضاپیمایی که به فضا پرتاب شده بود در خارج از جوّ توانست ۳ نقطه‌ی نورانی از ماه را به ثبت برساند. در حالی که تنها حدود ۲ ساعت از لحظه‌ی مقارنه سپری شده بود. در آن موقع جدایی زاویه‌ای ماه از خورشید ۳ درجه و ۲۳ دقیقه‌ی قوسی و فاز ماه تنها ۱۱ صدم درصد بود. حدود ۱۰ سال بعد نیز تلاش‌های مارتین السیاسر - عکاس آلمانی - در عکس‌برداری فروسرخ از هلال ماه به ثمر نشست و او توانست در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۷ با کمک پردازش تصویر در روشنایی روز از هلال ماه با جدایی زاویه‌ای کم‌تر از ۵ درجه فیلم و عکس تهیه کند. در ۵ می ۲۰۰۸ نیز وی موفق شد هلال ماه را در فاصله‌ی زمانی کمتر از ۵ دقیقه بعد از مقارنه‌ی زمین مرکزی و در

جدایی زاویه‌ای ۴/۵۸ آشکار کند. مارتین با این موفقیت نشان داد که هلال ماه در جدایی‌های کمتر از حدّ دانه‌تون تشکیل می‌شود و توانست عقیده‌ی دانه‌تون را در مورد تشکیل هلال ماه زیر سؤال ببرد.

در سال ۱۳۹۲ هجری شمسی نیز **تیری لگالت** عکاس خبره‌ی فرانسوی توانست هلال رمضان را که لحظه‌ی تولد آن ساعت ۴۴ : ۱۱ پیش از ظهر بود تنها در جدایی زاویه‌ای ۴/۶ درجه آشکارسازی نماید. این تصویربرداری که همانند روش آقای السیاسر به روش فرورسرخ انجام شده است، تاکنون یکی از شاهکارهای رؤیت هلال بوده است.^۱

با این آشکارسازی‌ها که به طور قطع می‌توان گفت: مهم‌ترین اتفاق در آشکارسازی هلال ماه در بیش از ۱۰۰۰ سال اخیر بوده‌اند، پایه‌ی بسیاری از اعتقادات که تاکنون خط قرمز رصداگران هلال بود، فروریخت.

۱. گزارش مستند آقای السیاسر در سایت www.moondatlas.de و گزارش آقای لگالت در سایت www.astrophoto.fr موجود است.



تصویر تهیه شده توسط آقای السیاسر دقایقی قبل از مقارنه ۵ می ۲۰۰۸



تصویری که آقای تیری لگالت از هلال رمضان ۱۴۳۴ ه.ق تهیه کرده است.

بر اساس این مبانی اختلاف در میزان حدّ دانه‌تون که برای آن اعدادی در بازه‌ی ۵ درجه تا بیش از ۷ درجه بیان شده است و هم‌چنین موفقیت آقایان *السیاسر* و *لگالت* در زیر سؤال بردن حدّ دانه‌تون برای تشکیل هلال، باعث می‌شود که عملاً فاصله‌ی زمانی بین مقارنه و آشکارسازی به زیر ۱۰ دقیقه برسد. لذا به جرأت می‌توان این جمله را بیان کرد که پیشرفت به معنای نزدیکی آشکارسازی به مقارنه است که از میان این امکانات جدید تلسکوپ‌های قوی، نرم‌افزارهای دقیق، روش‌های پردازش تصویر و تصویربرداری فروسرخ از جمله مهم‌ترین عوامل پیشرفت در رؤیت و آشکارسازی هلال هستند. به عنوان مثال، امروزه شما می‌توانید با استفاده از نرم‌افزارهای در دسترس - که استفاده از آن‌ها برای افراد مبتدی تنها به چند ساعت زمان نیاز دارد - تمامی مشخصات هلال را با دقت بسیار بالا استخراج کنید که این خود کار را برای رصدگران بسیار آسان نموده است^۱ و یا این که می‌توانید در فاصله‌ی زمانی کوتاهی که برای رؤیت هلال در اختیار دارید، از مکان مورد نظر تصویرهایی را تهیه کنید و بعداً با پردازش‌های کامپیوتری خاص به وجود هلال در آن تصاویر پی ببرید.

تقویم هجری قمری

گاه‌شمار قمری به معنای ساده‌ی زمان‌سنجی بر اساس تصاویری که از ماه و اهلی آن دیده می‌شود، پیش از اسلام و در میان اعراب جاهلی نیز رواج داشته است. با این حال گاه‌شماری بر اساس تصاویر اهله در زمان پیامبر ﷺ و حضرت

۱. از جمله این نرم افزار هاست : *Starry Night*، *Accurate Times*، *Moon Calculator*

ابوبکر صدیق (س) به عنوان تقویمی رسمی با مبدئی مشخص شکل نگرفت. این اتفاق مهم در زمان خلافت حضرت عمر فاروق (س) تحقق یافت و از آن پس سال هجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه مبدأ گاه‌شمار قمری قرار گرفت و این گاه‌شمار از آن تاریخ با نام **تقویم هجری قمری** شناخته شد.

ماه‌های سال قمری به ترتیب عبارتند از: محرم، صفر، ربیع‌الاول، ربیع‌الثانی، جمادی‌الاول، جمادی‌الثانی، رجب، شعبان، رمضان، شوال، ذی‌قعدة و ذیحجه.

روز اول هر ماه در این گاه‌شماری معمولاً بر اساس مشاهده و یا پیش‌بینی مشاهده‌پذیری هلال اول ماه در شامگاه روز ۲۹ یا ۳۰ ماه قبل تعیین می‌شود. این گاه‌شماری با توجه به شیوه‌های مختلف تعیین اول ماه و تعداد روزهای ماه هر سال با عناوین مختلفی از جمله گاه‌شمارهای هجری قمری هلالی، قراردادی و ام‌القمری منتشر می‌شود.

در **تقویم هجری قمری هلالی** مبنای کار رؤیت هلال است. این تقویم که مخصوصاً در مناسبت‌های مذهبی مورد استفاده‌ی بیشتری قرار می‌گیرد مبنای اعلام آغاز یک ماه قمری را دیدن هلال در روز قبل از آن می‌داند.

در **تقویم هجری قمری قراردادی** که به عنوان تقویم رسمی قمری در اغلب نقاط جهان شناخته می‌شود، از روش‌های غیرتجربی برای تعیین تعداد روزهای ماه استفاده می‌شود. به طوری که در این تقویم تمامی ماه‌های فرد ۳۰ روزه و تمامی ماه‌های زوج ۲۹ روزه هستند. در این روش در هر ۳۰ سال ۱۱ سال کبیسه (۳۵۵ روزه‌ی) وجود دارد.^۱

در **تقویم هجری قمری ام‌القمری** که تقویم رسمی کشور عربستان سعودی

است، مبنای کار محاسبات نجومی است. به طوری که روز اول هر ماه قمری روزی است که روز قبل از آن مقارنه اتفاق افتاده باشد و در افق مکه ماه پس از خورشید غروب نماید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

توضیحی اجمالی از منظر فقهی برای عموم مخاطبان

الحمد لله رب العالمین، و صلوات الله و سلامه و رحمته و بر کاته علی إمامنا و هادینا الیه محمد، و آله و صحبه المخلصین.

﴿ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ﴾^۱

چنان که می دانید: شورای مدیریت مکتب قرآن در سال (۱۴۳۴ هـ. ق مصادف با ۱۳۹۲ هـ. ش)، آغاز و پایان ماه مبارک رمضان را طبق محاسبات نجومی (مقارنه) اعلام کرد. و به دلیل ناشناخته بودن این موضوع نزد عموم، و تلاش عده‌ای برای تشکیک در آن، شاید نزد بعضی، هنوز ابهامات و تردیدهایی در آن باقی، و ذهنشان هم‌چنان با آن درگیر باشد. لذا صلاح در آن دیده شد، جهت روشن‌گری بیش‌تر در این زمینه، جزوهای منتشر شود؛ که مقاله‌ی حاضر خلاصه‌ای است از آن. امیدواریم با این کار ابهامات و تردیدها از بین برود.

۱. او (خداوند) است که خورشید را درخشان و ماه را منور گردانیده؛ و برای ماه، منازل را معین کرده است تا شماره‌ی سال‌ها و حساب - کارها - را بدانید. سوره‌ی یونس آیه‌ی ۵.

امری که نباید در آن تردید کرد این است که شریعت خداوند سیال و به مانند آب زلال، روان و از هر نوع رکودی گریزان است و با جمود میانه‌ای ندارد؛ و با تغییر اوضاع و شرایط اجتماعی بشر، مدام در حال تغییر است. یعنی: ناگزیر برخی از دستورالعمل‌های فقهی هم تغییر پیدا می‌کند. - البته این سوای احکام ضروری است که هم‌چنان از اعتبار و جایگاه خاص خود برخوردار است. - با تأسّف و حسرت فراوان، قرن‌ها است که مکان و منزلت واقعی فقه اسلامی در میان مسلمانان تضعیف و کم‌رنگ شده؛ و آن طور که شایسته است مورد استفاده قرار نمی‌گیرد؛ زیرا در مواردی یا تقریباً فراموش شده و یا کاملاً به فراموشی سپرده شده است؛ مانند بخشی از حقوق زنان، و قوانین ارث در بعضی از جوامع، و فقه سیاسی (سیاست بین‌المللی اسلامی) و... و یا به لحاظ اجرایی با روح و اصول و موازین اصلی دین منطبق نیست؛ که در بسیاری از موارد، نتایج سوئی را به بار آورده؛ و شکافی عمیق در میان گروه‌های مختلف جامعه ایجاد کرده است؛ مانند بعضی از حدود اسلامی و... و یا حالت رکود به خود گرفته و ثابت و غیرقابل تغییر می‌نماید؛ مانند احکام متعلّق به نصاب و مقدار و اموال زکوی و... عدم توجّه جدّی و عقلانی و لازم به فقه اسلامی، تبعات بی‌شماری به دنبال دارد که عمده‌ترین آن‌ها تفرّق است با صور گوناگون آن.

اما باید بدانیم خردی که از سرچشمه‌ی زلال وحی ربّانی مدد گیرد، به ما نهیب می‌زند که: ای مسلمانان متعهد! و ای دلسوزان بشریت! اگر کمر همّت بسته‌اید تا از این سرگستگی و چند دستگی و فروپاشی و افول عزّت به در آید، و اگر مصمّمید مفهوم ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ...﴾^۱ را دوباره احیا کنید و خود مصداق راستین آن، واقع شوید و مجد و عظمت را دوباره به خود باز گردانید، و اگر صادقانه و جدّی در صد

۱. شما بهترین امتی هستید که برای خدمت به مردم آفریده و تربیت شدید. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۱۰.

آیند دل‌های قهر کرده و بیگانه شده از هم را دوباره آشتی دهید، و اگر می‌خواهید زمینه‌ی جلب رحمت‌های خاص بیکران الهی را به سوی خود فراهم سازید، و اگر به تبعیت از مقتدا و رسول رحمتان ﷺ می‌خواهید «غُلّ و زنجیر» را از دست و پای انسان‌های رنج‌کشیده و مظلوم و سرگردان جوامع مختلف بشری باز کنید، باید کینه‌ها و تعصّب‌ها را دور بریزید، و فاصله‌ها را کم کنید، و از خردمندان و حکمای دلسوز امت کمال استفاده را ببرید، و هیچ راه و دری را، که جهت آن به سوی وفاق و انسجام و وحدت، و سرانجام نهایی رسیدن به سرمنزل توحید است، بر خود نبندید ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾ آری، یکی از این راه‌ها شروع هماهنگ و هم‌زمان (تا حدّ مقدور) عبادت روزه در ماه صیام و قیام، ماه تجلّی و بارش رحمت پروردگار یعنی: رمضان مبارک است.

برای رسیدن به این هدف والا و تحقّق بخشیدن به وحدت میان پیروان آخرین آیین برگزیده‌ی خداوند در این مورد خاصّ - که می‌تواند زمینه‌ی مناسبی برای رسیدن به وحدت در سایر موارد گردد - بهترین شیوه، استفاده از ابزار علم نجوم و مبنا قرار دادن مقارنه است؛ که به نظر ما دقیق‌ترین، آسان‌ترین و منطقی‌ترین راه و روش است؛ چون در مجموع، هم پشتوانه‌ی وحیانی دارد و از مصادیق ﴿أَتْتُونِي بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِّن عِلْمٍ﴾^۲ محسوب می‌شود؛ و هم قابل انطباق بر ادله‌ی روایی «صُومُوا لِرُؤُوتِهِ وَ أَفْطِرُوا لِرُؤُوتِهِ...»؛ و هم مورد تأیید علما و فقهای برجسته و نامی در قرون مختلف است؛ که در مطالب آتی به اسامی بعضی از آنان و اظهار نظرهایشان در این زمینه اشاره می‌شود.

۱. این، آیین شما است که آیینی است یگانه؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس تنها مرا پرستش کنید سوره‌ی

انبیاء، آیه‌ی ۹۲.

۲. سوره‌ی احقاف، آیه‌ی ۴.

امید است مسلمانان، نگاهی منطقی به این روش پسندیده داشته باشند، تا دیگر خبری از اختلاف و تفرّق در میان نباشد و همگی مشمول برکات خداوندی گردیم.

و چنان که قبلاً ذکر شد به دلیل پیشرفت روز افزون علوم و فنون مختلف، و به‌روزآوری مطالب علمی در این عصر، و حصول جزمیت و یقین در آن‌ها، و نیز با توجه به این که هدف نهایی اجرای فرمان رؤیت، فقط اثبات حلول ماه نو است و لاغیر، که در زمان جاری این کار فوق‌العاده آسان است، به قیاس بر سایر موارد دیگر، استحقاق آن را دارد که مورد توجه لازم قرار گیرد. بنابراین سزاوار نیست این موضوع، محلّ مناقشه و جدال و تردید واقع شود؛ چون اگر قرار بر تردید و ایجاد شک است، باید این عارضه، فراگیر باشد و دامن بسیاری از مسائل دیگر را هم بگیرد و عرصه را بر آن‌ها نیز تنگ کند؛ در حالی که برای همه پیدا است این نوع اشکال تراشی‌ها به دلایل گوناگون، جرأت نمی‌کند به خیل عظیم سایر موارد علمی خود را نزدیک سازد؛ چه جای این که به مقابله با آن‌ها پردازد.

از جهتی دیگر، اختلاف، اضطراب، تردید و تشکیک، با روح عبادت که باید دل‌ها را آرامش دهد، سازگاری ندارد. پذیرفتنی نیست پرستش و عبادت خداوند، به جای ایجاد اُنس و محبّت و اخوّت که از ثمرات آن است، و عملاً در دورانی آن‌ها را برای صائمین و قائمین به ارمغان آورد، ﴿ فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِيَعْمَتِهِ إِخْوَانًا ﴾، مایه‌ی بیگانگی و عداوتی گردد، که از نتایج ملموس اثرگذاری شیطان و نشان از تسلط او بر انسان و اجابت خواسته‌ی او است که ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ

۱. و خداوند دل‌های‌تان را به هم پیوند داد؛ و (میان آن‌ها انس و الفت برقرار نمود)؛ سرانجام در پرتو نعت او به برادر هم دیگر تبدیل شدید. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۳.

... ﴿۱﴾ و به جای تسکین و آرامش روح و روان که سپری است در برابر ناملايمات و عمل‌های خشن، موجب آشفتگی و پریشانی درونی شود، که دامنه‌ی آثار ناگوارش بسیار فراگیر است، و به جای تثبیت جزم و یقین در مبانی و مفاهیم صحیح دینی، منشأ تردید و شبهه گردد.

جهت روشن‌تر شدن مطلب، ضروری است توجه خود را به این نکات معطوف سازیم: وقتی حکمت الهی آن را طلبد که در هر مرحله‌ای از زمان، به تناسب رشد فکری بشر، برنامه‌ای جامع و کلی جهت هدایت و جلوگیری از گمراهی در اختیارش قرار گیرد، تشریح و تبیین آن را، به خود او وا گذاشت. یکی از این مجموعه تعالیم حیات بخش، قرآن حکیم است که کامل‌ترین و آخرین آن‌ها است؛ و تبیین اولیه‌ی آن به رسول رحمت و پیام‌آور محبت و سعادت ﷺ محول گردید ﴿... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...﴾^۲

و چون رشد و تحول لازمه‌ی حیات بشر است، مسلمانان، نیازمند بودند جهت پاسخ به پرسش‌ها و موارد مستحدثه و هدایت امور روزمره در مسیر درست آن، بعد از رحلت رسول خدا ﷺ به این امر مهمّ پردازند؛ که در آغاز، شورای اولی الامر عهده‌دار این مهمّ گردید اما با از بین رفتن حکومت شورا و دولت خلافت، و عدم امکان گردهمایی مجتهدین در یک مکان، به ناچار صلاحیت‌دارانی از امت، احساس وظیفه کردند و هر کدام به طور مستقل، به حکم ضرورت، به استنباط و استخراج احکام از کتاب و سنت، - متناسب با شرایط زمانی و مکانی و توان و محدوده‌ی علمی خود - اقدام نمودند. پس

۱. شیطان، فقط می‌خواهد میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۹۱.

۲. و قرآن را بر تو نازل کردیم تا آنچه را برای مردم نازل گردیده، برایشان تشریح و تبیین نمای. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۴۴.

وجود نظرهای متفاوت و گاهی متعارض در مسئله‌ای واحد (آراء قدیم و جدید) برای مجتهد بزرگوارى مانند حضرت شافعی (س)، در چارچوب همین تغییر شرایط، قابل توجیه و تفسیر است.

در این میان، دستاوردهای علمی نقش به‌سزایی دارد؛ زیرا علم همچون وحی معتبر و از قدر و منزلت ویژه‌ای برخوردار است ﴿... أَتُؤْنِي بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِّن عِلْمٍ...﴾^۱ بنابراین، در اثبات و یا تغییر احکام و فتاوی فقهی مؤثر. مانند:

۱- اعتبار بخشیدن به علم پزشکی در مواردی هم‌چون:

الف: ممنوعیت استفاده از آب در غسل و وضو، در صورت ضرر رساندن به جسم.
ب: ممنوعیت استفاده از آب‌های آلوده به میکروب و عوامل بیماری‌زا، هرچند از لحاظ شروط ظاهری فقه، در آن اشکالی نباشد.

ج: فتوا به جواز سقط جنین «ناقص الخلقه»، در صورت ایجاد یقین به معلولیت ذهنی از راه فناوری‌های پزشکی.

د: پذیرش و قبول مرگ مغزی به عنوان مرگ واقعی، بر اساس رأی و نظر پزشکان متخصص، و در نتیجه جواز اهدای اعضای مبتلایان به مرگ مغزی و استفاده از آنها برای بیماران نیازمند.

۲- معتبر بودن تقویم‌های تهیه شده بر اساس تحقیقات و مطالعات مراکز ژئوفیزیک برای اوقات اذان و نماز.

۳- حکم به جواز معاملات و فعالیت‌های اقتصادی از طریق وسایل ارتباط جمعی، مانند: تلفن و اینترنت و... اگرچه دو طرف قرار داد در یک مکان واحد با هم حضور

۱. کتابی آسمانی پیش از این، یا اثری علمی از گذشتگان (که دلیل صدق گفتار شما باشد) برای من بیاورید
سوره‌ی احقاف، آیه‌ی ۴.

نمی‌یابند و...

با توجه به این واقعیت‌ها، ادعای خلاصه کردن روش تشخیص غرّه‌ی ماه مبارک رمضان و شوال، در رؤیت بصری و یا کامل نمودن سی روز شعبان، به دلایل مختلف، ادعایی است دور از حقایق علمی و غیر مستند به اصول آن. از جمله:

- ۱- در گذشته برای پی بردن به شروع و پایان ماه مبارک رمضان و یا سایر ماه‌ها، جز این دو روش (رؤیت بصری و یا کامل نمودن سی روز شعبان)، هیچ راه معتبر دیگری در اختیار مسلمانان نبوده است. پس فرمان رسول خدا به مشاهده‌ی هلال و یا کامل کردن ماه شعبان «صُومُوا لِرُؤْيَيْهِ وَأَفْطِرُوا لِرُؤْيَيْهِ فَإِنْ عَسَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَكْمَلُوا عِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ يَوْمًا» - و یا - «فَإِنْ عُمَّ عَلَيْكُمْ فَأَكْمَلُوا الْعِدَّةَ ثَلَاثِينَ»،^۱ ناظر به همین وضعیت بوده و بس.
- ۲- بر فرض تکیه به ظاهر عبارات و عدم توجه به هدف و مقصد مورد تعقیب در نصوص روایی، و بی‌اعتنایی به اصول و ضوابط مهم فقهی چون «مُرَاعَاةُ الْمَقَاصِدِ مُقَدَّمَةٌ عَلَي رِعَايَةِ الْوَسَائِلِ أَبَدًا»،^۲ و «الْوَسَائِلُ أَبَدًا أَحْفَظُ مِنَ الْمَقَاصِدِ إِجْمَاعًا...»،^۳ و «يَغْتَفَرُ فِي

۱. با رؤیت هلال رمضان، روزه بگیرید؛ و با رؤیت هلال شوال، عید فطر را برگزار نمایید؛ و اگر هلال بر شما پوشیده ماند، تعداد شعبان را کامل کنید و آن را به سی روز برسانید. «صحیح بخاری»؛ «صحیح مسلم با شرح نووی» ج ۴ ناشر دار الکتب العلمیة ص ۱۹۳؛ «سنن نسائی» تک جلدی ص ۳۱۸ - ۳۱۹، حدیث شماره‌ی ۲۱۱۹ و ۲۱۲۰؛ «المنتقى لابن أبي الجارود» حدیث شماره‌ی ۳۷۵ و «سنن ابوداود» تک جلدی حدیث شماره‌ی ۲۱۱۸.

۲. همیشه مراعات اهداف و مقاصد، مقدم بر مراعات اسباب و وسایل است. احمد الندوی: القواعد الفقهیة مفهوما و...، ص ۱۶۳، ناشر دار القلم.

۳. مطابق اجماع، رتبه‌ی ابزار رسیدن به مقاصد، پایین‌تر از خود مقاصد است. احمد الندوی: همان منبع.

الْوَسَائِلِ مَا لَا يَغْتَفَرُ فِي الْمَقَاصِدِ»^۱، اسلوب و سیاق عبارت روایت‌ها از منظر ضوابط علوم بلاغی مشتمل بر حصر، و نافی راه سوّمی نیستند و روش‌ها را در این دو مورد محصور نمی‌سازند.

۳- در صورتی که جمله‌ی «لَا نَحْسِبُ» در روایت «إِنَّا أُمَّةٌ أُمِّيَّةٌ لَا نَكْتُبُ وَلَا نَحْسِبُ...»^۲ را به معنی محاسبات و دستاوردهای علم نجوم بگیریم، و بر اساس این روایت، محاسبات منجّمان را ملغی و نامعتبر قلمداد کنیم، به ناچار، باید قسمت اوّل این روایت «لَا نَكْتُبُ» را هم، به معنی غیرمعتبر و نامطلوب بودن خواندن و نوشتن تلقی نماییم؛ در حالی که قضیه به نسبت کتابت و سوادآموزی عکس این است.

۴- قرآن حکیم، جهت و جوب روزه و انجام این تکلیف انسان‌ساز، «شهود شهر» را ملاک قرار داده است نه رؤیت بصری هلال را. و هر کدام از این دو واژه، ابزار محقق ساختن هدف را در یک روش خاص - مثلاً: رؤیت با چشم غیر مسلح - خلاصه نمی‌کنند؛ زیرا یکی از معانی «شهد» ورود و حضور پیدا کردن است.^۳ و به قراین مختلف، در این جا این معنا راجح و مورد نظر است. و «شهر» هم، بر مدّت زمان خاصّ و

۱. گذشت و چشم‌پوشی در اسباب و مقدمات، بیش‌تر از گذشت و صرف نظر در اهداف و مقاصد است. سیوطی، جلال‌الدین: الأشیاء والنظائر فی قواعد و فروع فقه الشافعیة، ج ۱، ص ۴۴۳. دارالکتب العلمیة.
۲. ما امتی بی‌سوادیم و به نوشتن و محاسبه‌ی نجومی آشنایی نداریم... صحیح مسلم با شرح نووی ج ۴، ص ۱۹۲، دارالکتب العلمیة؛ سنن ابوداود تک جلدی حدیث شماره‌ی ۲۳۱۹.
۳. نگاه تفسیر قاضی ناصرالدین عبدالله بن عمر شیرازی (أنوار التنزیل و أسرار التأویل)، ج اول، ص ۱۶۸، (مجموعه‌ی سه جلدی)، دارالرشید؛ «تفسیر قاسمی» (محاسن التأویل)، ج دوم، ص ۴۴۶، دارالفکر؛ مدرّس، ملّا عبدالکریم: «مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن» ج اول ص ۳۳۱؛ ابن جزّی کلبی غرناطی: «التسهیل لعلوم التنزیل»، ج اول، ص ۱۰۳، دار إحياء التراث العربی، در شرح و توضیح آیه‌ی مربوطه.

معینی (تقریباً سی روز) - که از معانی اعتباری است - اطلاق می‌گردد نه بر هلال. بر این اساس مقتضای آیهی ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾^۱ این است: هر کدام از افراد مکلف، اگر در ماه رمضان حضور یابد و به این ماه وارد شود، در صورت وجود شرایط لازم، باید روزه بگیرد.

و این نکته را هم باید در نظر داشت که: با توجه به عکس‌برداری از ماه، بعد از دقایقی از وقوع مقارنه، در صورت عمل به دانش نجوم، اطلاق هلال بر ماه در این زمان، از لحاظ عرف لغوی هم، بدون ایراد است؛ زیرا معنای لغوی هلال ظهور است و این معنا در عالم واقع تحقق پیدا کرده است.

بنا بر این «در صورتی که در اثبات آغاز و پایان ماه‌های قمری، دانش نجوم مبنا قرار گیرد، مفهوم روایت «صُومُوا لِرُؤْيَيْهِ وَأَنْظُرُوا لِرُؤْيَيْهِ...» تحقق عینی می‌یابد». و در این باره دکتر عباس ریاضی کرمانی پدر علم نجوم ایران چنین می‌گوید: «در هر ماه قمری، هر زمان، قرص ماه کروی زمین، مدارهای ۲۸ گانه‌ی خود را سپری کرد و به مرحله‌ی مقارنه رسید، فوراً ثانیه‌های ماه جدید شروع و قرص ماه نو یعنی: هلال جدید، متولد می‌شود و ماه قبلی به پایان رسیده است؛ چه هلال قابل رؤیت باشد چه نباشد».^۱

با نگاه عمیق و تأمل در این واقعیات، آیا تکیه بر رؤیت بصری به همان روش سنتی - که احتمال اشتباه در آن فراوان است - و ترجیح آن بر علوم و فناوری جدید، - که از دقت لازم و نتایج قطعی و یقینی برخوردار است - تحکم و ترجیح بلا مرجح نیست؟ و آیا شهادت و گواهی یک فرد بر رؤیت هلال، با ضریب اطمینان محاسبات به دست آمده از علوم و مشاهده‌ی تلسکوپ‌ها و ابزارهای امروزی قابل مقایسه است؟

۱. بخارا: (مجله‌ی فرهنگی و هنری)، سال شانزدهم، شماره ۱۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۲، ص ۳۲۹.

از جهتی دیگر، به طور مُسَلَّم، معتبر دانستن و ترجیح اقرار یک شخص - در مسئله‌ی مورد بحث - که مفید ظنّ است، بر اثبات علمی که موجب یقین است، نادیده گرفتن این بخش از اصول و قواعد مهمّ فقهی است که: «در تکالیف دینی، یقین و علم همیشه بر ظنّ مقدّم است؛ هم‌چنان که ظنّ بر شکّ مقدّم است»؛ زیرا ﴿وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا﴾.^۱ برای نمونه: در پیدا کردن جهت قبله اگر دستیابی به یقین، به آسانی میسر و فراهم شود، نباید به اجتهاد که مبنایش ظنّ است پناه برد. و «الظَّنُّ مُلغِي إِلَّا مَا قَامَ الدَّلِيلُ عَلَيِّ إِعْمَالِهِ»^۲ و «الثَّابِتُ بِحُكْمِ الظَّاهِرِ يُجُوزُ إِبْطَالُهُ بِدَلِيلٍ أَقْوَى مِنْهُ»^۳

و مسئله‌ی قابل توجه دیگر این که: به دلیل عدم دقّت و نبود آگاهی بعضی و تبلیغ سوء از جانب برخی افراد کونه‌نظر، شاید تصور شود: نظریه‌ی جواز تکیه بر علم نجوم در اثبات هلال ماه‌های قمری، یک نظریه‌ی تازه و بدون سابقه در تاریخ تطوّر فقه اسلامی، و اجتهادی نو است، جهت اصلاح این تصور و ردّ هر نوع شبهه و پاسخ به این گفته‌های نشأت گرفته از جهل و ناآگاهی (که امیدواریم از سر سوء نیت نباشد)، به گوشه‌ای از اظهارنظرهای مجتهدان و فقهای برجسته‌ی اسلامی در مورد صحّت اعتماد به علم نجوم در اثبات رؤیت هلال، و در کلّ، تأیید این امر از سوی آنان اشاره می‌شود. امید است این مطلب، اشکال تراشان را به تأمل وادارد؛ و از خدای خود بترسند؛ و از موضع‌گیری ناآگاهانه و متهم کردن دیگران به کفر و ضلالت و انحراف و... بپرهیزند.

۱. و به حقیقت ظنّ و گمان - انسان را - از حقّ بی‌نیاز نمی‌گرداند. سوره‌ی نجم، آیه‌ی ۲۸.

۲. ظنّ باطل و نامعتبر است؛ مگر این که برای اعمال آن دلیلی وجود داشته باشد. احمد الندوی: همان، ص ۱۹۳.

۳. هر مطلبی که به حکم ظاهر ثابت گردد، باطل کردنش به دلیلی قوی‌تر از آن، جایز است. احمد الندوی: همان، ص ۱۱۱.

(رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا عَرَفَ قَدْرَهُ وَ لَمْ يَتَعَدَّ طَوْرَهُ)^۱

ابن رُشد می گوید: از برخی سلف و شخصیت‌های مربوط به دوران گذشته نقل شده: هر گاه هلال - به دلیل موانعی مانند ابر و مه و... - از چشم‌ها پوشیده ماند، به شمارش بر اساس حرکت ماه و خورشید (محاسبات فلکی) مراجعه می‌شود. و این رأی و نظر «مُطَّرَف بن شُخَيْر»^۲ از بزرگان تابعین است.^۳

و بنا بر نقل ابن سُرَیج (۲۴۹ - ۳۰۶ هـ. ق) از حضرت شافعی (۱۵۰-۲۰۴ هـ. ق) ایشان می‌فرمایند: «هر کسی بر این باور است به نجوم و منازل ماه استناد کند و با همین استدلال برایش مشخص شود، هلال رؤیت پذیر است، در حالی که - به دلیل وجود موانع - از چشم‌ها پوشیده مانده است، این شخص می‌تواند روزه بگیرد که او را کفایت کند و جای روزه‌ی واجبش را می‌گیرد».^۴

امام نووی از ابوالخیرِ عمرانی (۴۸۹ - ۵۵۸ هـ. ق) - صاحب کتاب «البيان» نقل می‌کند: هر گاه کسی بر اساس محاسبه‌ی منازل ماه [توسط خودش]، دانست فردا رمضان است، و یا شخصی آگاه به محاسبات نجومی که مورد تأییدش باشد، در این باره، او را مطلع کرد و سرانجام نیت روزه آورد، و بر اساس گفته‌ی آن شخص، روزه گرفت، در مورد آن، دو برداشت وجود دارد، عدّه‌ای معتقدند روزه‌اش صحیح است. و این نظر ابن

۱. خداوند رحمت کند شخصی را که قدر خود را بشناسد و از حدّ و اندازه‌ی خود تجاوز نکند.

۲. مُطَّرَف بن عبدالله بن شُخَيْرِ عامری بصری (وفات ۹۵ هـ ق): فقیه پارسا و دانشمند برجسته، و یکی از راویان از حضرت علی بن ابی طالب، عَمَّار بن یاسر، حمید بن عبدالرَّحْمَن بن عوف و دابی اش حضرت عثمان بن عفان - سلام الله علیهم اجمعین - .

۳. ابن رشد: بداية المجتهد و نهاية المقتصد، ج ۱، ص ۲۸۴.

۴. ابن رشد: همان ج ۱، ص ۲۸۴.

سُرَیج (۲۴۸ - ۳۰۶ ه. ق.) است که قاضی ابو طیب (۳۴۸ - ۴۵۰ ه. ق.) هم، آن را اختیار کرده است؛ زیرا این طریق و روش، برای او ظنّ غالب، ایجاد نموده؛ پس شبیه آن است تقه‌ای با توجه به مشاهدات خود، رؤیت ماه را به او اعلام کرده باشد.^۱

و بنا به گفته‌ی امام نووی، رأی مذکور، انتخاب قفال بزرگ (۲۹۱ - ۳۵۶ ه. ق.) نیز هست.^۲

تقی‌الدین سُبکی (۶۸۳ - ۷۵۶ ه. ق.) در فتاوایش در ادامه‌ی جواب سؤالی با این مضمون: «اگر کسی به تنهایی بر رؤیت هلال گواهی دهد، اما محاسبه‌ی نجومی خلاف آن را نشان دهد» چنین می‌گوید: اختلافی که بدان اشاره شد، زمانی است که محاسبه‌ی نجومی بر امکان رؤیت دلالت کند ولی ماه دیده نشود؛ که به نظر بعضی چون سبب وجوب روزه، رؤیت‌پذیری است، لذا این مسئله تحقق‌یافته تلقی می‌شود. یعنی: قابل اعتماد است؛ ولی به نظر برخی دیگر سبب وجوب روزه، اصل رؤیت و یا تکمیل شعبان است یعنی: قابل اعتماد نیست. و بنا بر هر کدام از این‌ها، آنچه محاسبه نشان دهد، محکوم به بطلان نیست؛ چون با توجه به مراتب دوری و نزدیکی ماه از خورشید، گاهی محاسبه به نحوی است که مقدّماتش موجب قطعیت است و گاهی هم منتهی به آن نمی‌شود. و در این جا صورتی دیگر وجود دارد و آن عبارت است از این که: محاسبه، عدم امکان رؤیت را نشان دهد و این حالت با مقدّماتی قطعی قابل درک، و ماه بی‌اندازه به خورشید نزدیک، و چون رؤیت محال است، امکان فرض کردن رؤیت حسّی هم وجود نداشته باشد؛ پس در این حالت اگر کسی و یا کسانی که گزارششان احتمال کذب و یا اشتباه دارد به ما خبر دهند که ماه را دیده‌اند، آن چه در این مورد درست و توجیه‌پذیر

۱. امام نووی: المجموع ج ۶، ص ۲۸۲.

۲. امام نووی: همان.

می‌نماید این است که: باید خبر این چنین افرادی را بر کذب و یا اشتباه حمل کنیم. و اگر دو شاهد هم، بر این مطلب شهادت دهند گواهیشان پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا «فرجام و نتیجه‌ی محاسبات نجومی قطعی است اما شهادت و خبر، ظنی‌اند، و هیچ گاه ظن نمی‌تواند معارض قطعی واقع شود چه جای این که مقدم بر آن باشد».

علامه شیخ احمد بن قاسم عبّادی (وفات ۹۹۴ ه. ق.) می‌گوید: شیخ و استاد ما، **شهاب‌الدین رملی** (وفات ۹۵۷ ه. ق.) که **طبلاوی بزرگ** (وفات ۹۶۶ ه. ق.) هم با او موافق است، اظهار می‌دارد: «عمل به محاسبات نجومی در اثبات هلال ماه رمضان واجب است و برای اسقاط تکلیف کفایت می‌کند». و **شمس‌الدین رملی** (۹۱۴-۱۰۰۴ ه. ق.) [پسر شهاب‌الدین رملی] هم، می‌گوید: «برخلاف رأی بعضی و بر خلاف رأی مندرج در «المجموع» هم‌چنان که برای حاسب و منجم جایز است در شروع ماه، بر اساس تحقیقات علمی خود عمل کنند، بنا بر رأی معتبر، در آخر ماه رمضان هم، برای آنان جایز است اقدام به شکستن روزه نمایند». و با توجه به ضابطه‌ی: وجوب عمل بر اساس ظن، این کار بر آنان و بر کسانی که تصدیقشان کنند واجب است... و این مطلب که برخی گفته‌اند: در صورت فقدان ظن و گمان نسبت به صدق و کذب حاسب و منجم در حالی که هر دو عادل باشند، روزه واجب نمی‌شود، جای بحث و بازنگری است. زیرا به قیاس بر «وجوب عمل در صورت وجود ظن نسبت به صدق آنان»، اگر هیچ ظنی نسبت به صدق و کذب هم، وجود نداشته باشد - در صورتی که عادل باشند - باید مانند موارد مشابه به همین شیوه، عمل گردد. در این مطلب دقت شود.^۱

محدث و فقیه بزرگ **عینی** (۷۶۲ - ۸۵۵ ه. ق.) از علمای پیرو امام **ابوحنیفه**-رحمهم الله - از برخی از بزرگ فقیهان حنفی نقل قول کرده که: «اعتماد و تکیه بر گفته‌ی

۱. حاشیه‌ی احمد بن قاسم عبّادی بر «تحفة المحتاج» ج ۴، ص ۴۹۳ - ۴۹۴.

منجّمان و اخترشناسان هیچ اشکالی ندارد».^۱

لازم به ذکر است ابن عابدین هم، در «رسائل» ۱/۲۴۴ به این مطلب اشاره فرموده است.

علامه شیخ احمد محمد شاکر (۱۳۰۹ - ۱۳۷۷ ه. ق.) می‌گوید: استاد بزرگ، شیخ محمد مصطفی المراغی، رئیس وقت دانشگاه الأزهر مصر، وقتی ریاست دادگاه عالی مصر را به عهده داشت، نظرش در این باره، عیناً همانند نظر شیخ سُبکی بود که علم حساب را بر گواهی شهود ترجیح می‌داد. و شهادت آنان بر رؤیت هلال را، - در صورتی که محاسبات نجومی حاکی از عدم امکان رؤیت بود -، رد می‌کرد. من و عده‌ای از دوستان، مخالف نظریه‌ی استاد مراغی (وفات ۱۲۹۱ ه. ق.) - رحمه الله - بودیم؛ ولی اکنون به صراحت می‌گوییم: نظر ایشان صحیح و مُصیب است. و این مطلب را هم اضافه کنم: پذیرفتن اثبات هلال با محاسبات، در هر شرایطی واجب است؛ مگر برای آنان که در زمینه‌ی علم حساب ناتوان و ناآگاه باشند...^۲

شیخ مصطفی زرقا (۱۳۲۲ - ۱۴۲۰ ه. ق.) بعد از توضیحاتی مفصّل راجع به حکم اثبات ظهور هلال بر مبنای محاسبات ستاره‌شناسی در عصر حاضر، گزیده‌ای از آن را، به شرح ذیل بیان می‌کند و می‌گوید: دقّت نظر در مجموع روایت‌ها و احادیث صحیح وارد در این زمینه (اثبات رؤیت هلال رمضان و شوال و ...)، و برقرار کردن ارتباط میان آن‌ها، علّت و سبب اساسی در دستور رسول خدا ﷺ را، - که مسلمانان در شروع و پایان دادن به ماه روزه باید بر رؤیت بصری تکیه نمایند - روشن و بر ملا می‌سازد؛ و معلوم می‌شود که علّت این امر، این بوده که مسلمانان از سواد خواندن و نوشتن و آگاهی دقیق

۱. عمدة القارئ شرح صحیح بخاری.

۲. رساله‌ی «أوائل الشهور العربية»، ج ۲.

از ستاره‌شناسی و محاسبه‌ی ضابطه‌مند - به دلیل نوسان ماه در میان ۲۹ و ۳۰ روز - اندک بهره‌ای داشتند، تا بتوانند از آن طریق، ابتدا و انتهای هر ماه را مشخص کنند. و مفهوم این مطلب آن است: در صورتی که بشر بتواند به علم کافی نسبت به نظام ستارگان - که خداوند بزرگ آن را به طرزی بنیان نهاده نه تخلف‌پذیر است و نه اختلاف‌بردار - دست یابد، و این شاخه از علوم به درجه‌ای از رشد و کمال برسد که به آسانی بتوان، زمان پیدایش هلال هر ماه و زمان رؤیت‌پذیری آن را - به شرط عدم وجود هر گونه عارضه‌ی جوّی که مانع رؤیت باشد - اعلام کرد، در این صورت «هیچ منع شرعی در تکیه بر این محاسبات وجود ندارد»؛ تا مسلمانان از مشکل اثبات هلال و از نابسامانی و آشفتگی‌های ناپسند و غافل‌کننده‌ای که به آن دچار گشته‌اند (تا حدّی که گاهی تفاوت و اختلاف در اثبات هلال ماه رمضان در میان مسلمانان به سه و یا حتی چهار روز می‌رسد) رهایی یابند.

و در ادامه شیخ زرقا می‌فرماید: اما حالا در عصر ما، از مدّت‌ها پیش، علم ستاره‌شناسی به معنی صحیح آن، از تنجیم و طالع‌شناسی به معنی عرفی‌اش، و از شعبده‌بازی و غیب‌گویی و طالع‌بینی از روی حرکت ستارگان، کاملاً جدا شده است. و اکنون علم ستاره‌شناسی در رصدخانه‌های جدید و بر پایه‌ی رصدگیری توسط تلسکوپ‌های بزرگ قرار دارد و می‌تواند از فاصله‌های دور و با مقیاس سال نوری، موقعیت ستارگان را رصد و با محاسبات دقیق و یقینی، حرکات آن‌ها را با احتساب یک‌صدم و حتی یک‌هزارم ثانیه، مشخص نماید. و در فضای پیرامون زمین ایستگاه‌های تحقیقاتی ثابت برپا گردیده است، تا از فضاپیماهای در حال گردش پیرامون زمین، پشتیبانی کند. آیا پس از روشن شدن این واقعیت‌ها، «معقول است کسی به خود اجازه دهد در صحّت محاسبات یقینی آن، دچار شکّ و تردید شود و ستاره‌شناسی عصر حاضر را با ستاره‌شناسی زمان گذشته که خام و ظنّی بوده مقایسه نماید؟!!!!»

بنا به دلایل مذکور، مقارنه بر سایر روش‌های ثبوت هلال ارجحیت دارد؛ و دلیل معتبری پیدا نمی‌شود که بی‌توجهی به آن را توجیه کند. حتی شاید بتوان بی‌اعتنایی به آن را به نحوی نوعی ناسپاسی نسبت به یکی از نعمت‌های پروردگار مهربان تلقی کرد. و به این می‌ماند کسانی در این عصر، جهت روشن نگه‌داشتن منزل خود، به جای استفاده از نیروی برق، از همان وسایل روشنایی قدیمی، و یا به جای استفاده از امکانات پزشکی عصر، از همان سبک سنتی بهره‌گیرند. و بدون تردید، اگر فقهای آزاداندیشی امثال ابن سُرَیح، قاضی ابوطیب و سُبکی، در این دوران حضور داشتند، بدون تردید موضعشان در برابر دستاوردهای مهمی مانند مقارنه، مثبت و منطقی می‌بود. پس شایسته است ما نیز از این ره‌آورد علمی، استفاده ببریم؛ تا به اذن خدای متعال مقدمه‌ی مبارکی باشد برای ایجاد وحدت در میان مسلمانان در سایر زمینه‌ها.

و در آخر، خداوندا! سر عبودیت و بندگی بر آستانت می‌گذاریم تا به فضل و کرم خودت بار دیگر مفهوم واقعی امت را به مسلمانان ارزانی داری؛ و دیگر اثری از نزاع‌ها و جدال‌ها در میان نماند و مجد و عظمت به سوی آنان باز گردد. بار الهها! توان شنیدن حق و تبعیت از آن را به همه‌ی ما عطا فرما!

بَر مَشَقَّاتِ رَاهِ وَ شَرْمِ خَطَا

رحمت ای اهل رحمت و احسان

قَطْرَه نَوْرِي ز چَشْمَهی احسان

بَر کَویر قَلُوبِ تَارِ افشان

آن چنان راه «فاس‌تقم» برویم

دل محبوب را رضا افتد
ببروی و آل وی درود و سلام
تا رضا برره قضا افتد

و السلام علی من اتبع الحقّ و الهدی
شورای مدیریت مکتب قرآن

www.maktabquran.net

پرسش‌ها و شبهات مطرح‌شده درباره‌ی مقارنه و پاسخ آن‌ها

۱- چرا در ممالک اسلامی با وجود این همه علما و شخصیت‌های بزرگ فقهی و وضوح واقعیت‌های غیر قابل انکار و تأیید مقارنه از جانب برخی، باز از عمل به آن خودداری می‌شود و نسبت به اختلاف در شروع و پایان ماه عبادت در میان مسلمانان - که بعضی سال‌ها به مرز ۴ روز می‌رسد - همچنان بی تفاوتند؟

ج: در پاسخ باید به این موارد توجه نمود:

یکم: معیار سنجش برای حقانیت و یا بطلان مطلبی، قَلت و کثرت پیروان آن نیست، بلکه ملاک واقعی و معیار درست، انطباق و هم‌خوانی با نصوص دینی و عقل و علم است؛ یعنی، قوت مستندات و دلایل است که می‌تواند حقانیت و یا بطلان امر و مطلبی را به ثبوت برساند و لاغیر. در قرآن همیشه انسان‌ها تشویق می‌شوند که: خود را به تفکر وادارند؛ و با به کارگیری عقل و خرد و با فهمی اندیشمندانه در مسائل بنگرند و از تبعیت کورکورانه پرهیز، و تلاش کنند که از شک و تردید خود را برهانند تا به جایگاه علم و یقین برسند. و با تدبیر در آیاتی چون: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۱ ﴿كَذَلِكَ نُنْزِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾^۲ ... قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ^۳. متوجه عظمت منزلت نیروی عقل در انسان و جایگاه اندیشیدن درست - که سرانجام به راه‌یابی به مسیر صحیح و

۱. و در این - مطلب - نشانه‌هایی است برای مردمی که بیندیشند. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۳.

۲. و این چنین آیات را برای مردمی که بفهمند و درک کنند شرح می‌دهیم. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۲۸.

۳. و ما آیات را برای مردمی که بفهمند شرح دادیم سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۹۸.

مطلوب در هر موضوع و در هر شرایطی منتهی می‌گردد - می‌شویم.

دوم: سرشماری دقیقی از فقها و دانشمندانی که موافق مسئله‌ی مورد بحث هستند صورت نگرفته تا مشخص کند آمار آنان چه قدر است؟ و بی تردید اگر بعد از تبیینات لازم، از علما و اهل رأی مقبول، در زمینه‌ی اثبات حلول ماه‌های قمری از طریق علم نجوم (مقارنه) نظرخواهی شود، یقیناً جمع قابل توجهی نظرشان مثبت خواهد بود.

سوم: آیا همین تعداد از شخصیت‌های طراز اول و وزین از قدما و معاصرین که هر کدام به نحوی به علم نجوم باور دارند و در این مقاله مورد بحث قرار گرفت، جهت اثبات حقانیت مطلب مورد نظر کفایت نمی‌کند؟

چهارم: مشکل اصلی مسلمانان، فقدان درک و تشخیص صحّت مقارنه نیست؛ زیرا مقارنه، مسئله‌ای است علمی و غیر قابل انکار، بلکه مشکل ممالک اسلامی، سیاسی کردن همه‌ی امور از جمله زمان شروع روزه‌ی رمضان و زمان برپایی اعیاد اسلامی است که متأسفانه غالب حکام و دست اندرکاران نظام‌های حاکم، به آن رنگ و بوی سیاسی داده و اهدافی متناقض با روح این عبادت را مدّ نظر دارند. آخر، عبادت یک امر محض ربّانی است و نباید با هیچ شائبه‌ی دیگری آغشته شود: ﴿ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ﴾^۱ و ﴿ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ﴾^۲ تا جایی که می‌بینیم حتی از اعمال رأی جمهور (حجّیت ثبوت رؤیت در یک منطقه برای مسلمانان در سایر مناطق) نیز، خودداری می‌کنند؛ انکار چنین رأیی اصلاً و به طور

۱. و به آنان فرمان داده نشد جز این که خداوند را پرستش کنند (بنده‌ی او شوند) در حالی که باید دین را برای او خالص گردانند و از شرک فاصله بگیرند و نماز را اقامه کنند و زکات را بپردازند و این است آیین راست و درست. سوره‌ی بینه، آیه‌ی ۵.

۲. هوشیار باشید دین خالص و پاکیزه از هر شائبه‌ی ای از آن خداوند است. سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۳.

کلی وجود خارجی ندارد.

۲- آیا با توجه به کروی بودن زمین، در صورت عمل به مقارنه، هدف مورد نظر که ایجاد وحدت و هماهنگی میان مسلمانان در شروع و پایان ماه عبادت است تحقق می‌یابد؟

ج: آری؛ وحدت عملی ممکن در حدّ وسع و توان انسان، تحقق پیدا می‌کند و ﴿لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾؛^۱ زیرا مقارنه در یک لحظه اتفاق می‌افتد و شامل تمام کره‌ی زمین می‌شود؛ اما با توجه به واقعیت اختلاف مطالع، گریزی از تفاوت در شروع و پایان رمضان نیست، که حداکثر آن، یک روز است و این هم بر مبنای نظام دقیق الهی است.

۳- بر اساس عمل به مقارنه، آیا اجرای دستور پیامبر متوقف و علم جایگزین حدیث نمی‌شود؟

ج: چنان که قبلاً به آن اشاره شد مبنا قرار دادن مقارنه، به معنای بی‌توجهی به احادیث رؤیت نیست، بلکه مقارنه یکی از مصادیق عینی آن‌ها است؛ به این معنا که محاسبات و تجهیزات پیشرفته به کمک بینایی طبیعی چشم‌ها آمده است و قدرت و توان دید آن‌ها را بالا برده است و باید بپذیریم که عدم استفاده از این ابزارها در تحقق بخشیدن رؤیت هلال، به نوعی اجحاف و ظلم تلقی می‌شود.

۴- آیا مبنا قرار دادن علم نجوم، خرق اجماع نیست؟

ج قبل از هر چیزی باید تعریفی از اجماع ارائه شود تا معلوم گردد که آیا بر مطلب مورد بحث، اساساً اجماعی صورت گرفته است یا نه. در راجح‌ترین تعریف، اجماع «اتفاق همه‌ی مجتهدان امت است بعد از حیات مبارک حضرت رسول ﷺ بر یک

۱. ما هیچ انسانی را به امری مکلف نمی‌سازیم جز در حد توانش. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۴۲ و سوره‌ی مؤمنون آیه‌ی ۶۲.

مسئله، در یک مقطع زمانی و در یک مکان». با توجه به این تعریف، مخالفت یا سکوت یک مجتهد، مانع از تشکیل اجماع می‌شود. و به راستی درست فهمیده‌اند آن گروه از دانشمندان و اندیشمندان مسلمان مانند حضرت شافعی - سلام الله علیه -^۱ که سکوت را از اجماع به حساب نمی‌آورند؛ چون برای سکوت مجتهد و خودداری او از اظهار نظر، دلایل مختلفی وجود دارد که فقط یکی از آنها نشان از رضایت شخص ساکت از مسئله‌ی مورد نظر است. پس آراء فقهای قائل به جواز عمل به علم نجوم - که به آن اشاره شد - نشانه‌ی عدم اجماع در این مسئله است.

۵- آیا مبنا قرار دادن محاسبات و اخترشناسی در حلول رمضان و عید فطر، متعارض با رأی کا که احمد - راجع به منع کردن پیروانش از اجتهاد، و توصیه‌ی ایشان به عمل به راجح مذهب حضرت شافعی در ماسوای آرای خاصّ فقهی اش - و خلاف عمل ایشان در زمینه‌ی نحوه‌ی شروع و پایان رمضان نیست؟
ج: پاسخ این سؤال شامل چند بند است:

الف: برای آشنایی کامل با نظر کا که احمد در مورد اجتهاد لازم است به تمامی اظهار نظرهای ایشان در آثار کتبی و شفاهی توجه نمود که در این جا به دو مورد اشاره می‌نماییم. ایشان می‌فرمایند:

قبلاً نظرم را در باره‌ی مباحث «اجتهاد و تقلید»، شرح داده‌ام. خلاصه این که: هر فردی از نا آگاه‌ترین تا آگاه‌ترین، در زندگی جمعی، هم به اجتهاد، محتاج می‌شود هم به تقلید. منتهی، بالا و پایین بودن آگاهی در هر زمینه، سبب گسترده‌تر یا محدودتر شدن میدان نیاز به این یا آن در همان زمینه می‌گردد. پس، بدیهی است که با جواز «اجتهاد» و

۱. ایشان می‌فرمایند: به سکوت‌کننده رأی نسبت داده نمی‌شود. جمع الجوامع، ج ۲، ص ۲۸۸، چاپ دارالکتب العلمیة.

حتّی لزوم آن در شرایط خودش، در فقهیات، مخالف نیستم. آن‌چه هست، مخالفتم با «سهل‌گیری فراوان» است. چندان که حتّی ناآشنایان به علوم مبانی ضروری در شناختن کلمات و ترکیبات قرآنی و حدیثی، به اجتهاد در مسائل دینی بپردازند (که می‌توانید: سنگینی زیان آن را هم برای خود آنان و هم دیگران، تصوّر کنید)؛ هم‌چون مخالفتم با «سخت‌گیری فراوان»، چنان که اهلیت‌داران قلبی و ذهنی هم، از اجتهاد حتّی در مستحذات، منع شوند. اگر «تقوی» و «علم به مبانی و مقاصد حتّی در حدّ موضوع» و «فهم» و «ذوق»، جمع شدند، آن‌گاه اجتهاد به تناسب شرایط، جایز است یا واجب؛ و آلا، حرام... و به کسی، اجازه‌ی اجتهاد نمی‌دهم نه در مذهب، و نه در بین المذاهب، و نه آزاد (یعنی: استنباط مستقیم احکام با کمک ادلّه‌ی اجمالی از «ادلّه‌ی تفصیلی»).^۱

ایشان در جای دیگر تبادل نظر در مورد مسائل مستحذّه و رسیدن به رأی نهایی را از وظایف شورا تعیین می‌کنند.^۲

ب: منع اجتهاد از جانب کاکه احمد نسبت به افراد مکتب قرآن، جای تردید نیست؛ امّا به کارگیری محاسبات و دستاوردهای علوم جدید، در واقع، تغییر ابزار و استفاده از وسایل دقیق‌تر برای نیل به اهداف و مقاصد تشریح است نه اجتهاد آزاد یا بین المذاهب. و این امر (به کارگیری ابزارهای جدید)، از ابتدا در میان مسلمانان مطرح بوده است. مانند: استفاده از تقویم و طومار ساعت در اوقات اذان، و نماز، و ابتدا و انتهای روز، و ساخت طبقات در صفا و مروه و جمرات و به کارگیری وسایل حمل و نقل جدید در سفر حج. در حالی که قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾^۳ که اشاره به پیاده‌روی و سوار شدن بر چهارپایان در طی مسیر

۱. نامه‌ها ص ۴۴ و ۴۵ (نامه‌ی چهارم)

۲. نامه‌ی ۲۶ فروردین ۱۳۷۰.

۳. و مردم را برای حج فراخوان؛ تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر از هر راه و مسیر دوری به سوی تو

سفر حج، و بیانگر واقعیت موجود زمان نزول وحی است. و برای همه آشکار است این آیه نافی استفاده از امکانات جدید نیست.

ج: رأی حضرت شافعی در زمینه‌ی اتحاد و اختلاف مطالع، ناظر به واقعیت هستی و کروی بودن و حرکت ماه و زمین است و تفاوتی در اصل مسئله ندارد؛ زیرا اختلاف مطالع در شروع ماه جدید، مبنای آن‌چه مقارنه باشد یا رؤیت بصری هلال، هم‌چنان مطرح و حقیقتی است غیر قابل انکار؛ اما با این تفاوت که در رؤیت بصری، گاهی اختلاف تا چهار روز هم می‌رسد، ولی در مقارنه به دوازده ساعت کاهش می‌یابد؛ و نظر حضرت شافعی هم، تأکید بر رؤیت بصری و تعیین آن، به عنوان تنها روش صحیح اثبات رؤیت نیست؛ چون در قسمت نظرات فقهای اسلامی بیان شد که: بنا بر نقل ابن سریج از حضرت شافعی ایشان فرموده‌اند: هر کس به اخترشناسی و منازل ماه استناد کند و برایش مشخص شود هلال رؤیت‌پذیر است ولی شرایط جوی برای رؤیت مناسب نباشد می‌تواند روزه بدارد که برای او جای روزه‌ی واجب را می‌گیرد.

د: متأسفانه برخی افراد نا آگاه که می‌خواهند به ناحق خود را در مقام دفاع از راه و مسیر و مطالب کاکه احمد جا بزنند، فقط به گوشه‌ای از مطالبش متمسک می‌شوند؛ آن هم به صورت ناقص که یا از بقیه‌ی مطالبش بی‌اطلاع و بی‌خبرند و یا عامدانه می‌خواهند خود را به غفلت بزنند؛ زیرا بر اساس نظر ایشان هر گاه حَقانیت و صِحّت مطلبی از لحاظ علمی محرز شود، بدون تردید مبنای احکام فقهی قرار می‌گیرد؛ چون امکان ندارد دین و علم با هم در مسائلی تقابل و تضادّ پیدا کنند؛ زیرا سرچشمه‌ی هر دو یکی است. پس اگر با فهم درست و دقت لازم مسئله‌ی مقارنه مورد بررسی قرار گیرد، معلوم و مشخص می‌شود که: شورای مدیریت مکتب قرآن در اعمال و اجرای این امر، بر اساس رأی ایشان عمل کرده است.